۳

قیمت گوشت به ۱۱۰ هزار تومان رسید

امتیاز

روزنامه صبح ایران

WWW.EMTIAZDAILY.IR

چهارشنبه / ۱۰ بهمن ۱۳۹۷ / ۲۳ جمادی الاول ۱۴۴۰ / ۳۰ ژانویه ۲۰۱۹

۴

گزارش «امتیاز» از کی‌روش و مدت حضورش

شماره ۲۶۶۷ / ۸ صفحه / قیمت ۱۰۰۰ تومان

رئیس کل بانک مرکزی:

کارت‌های بانکی هوشمند شدند /۳

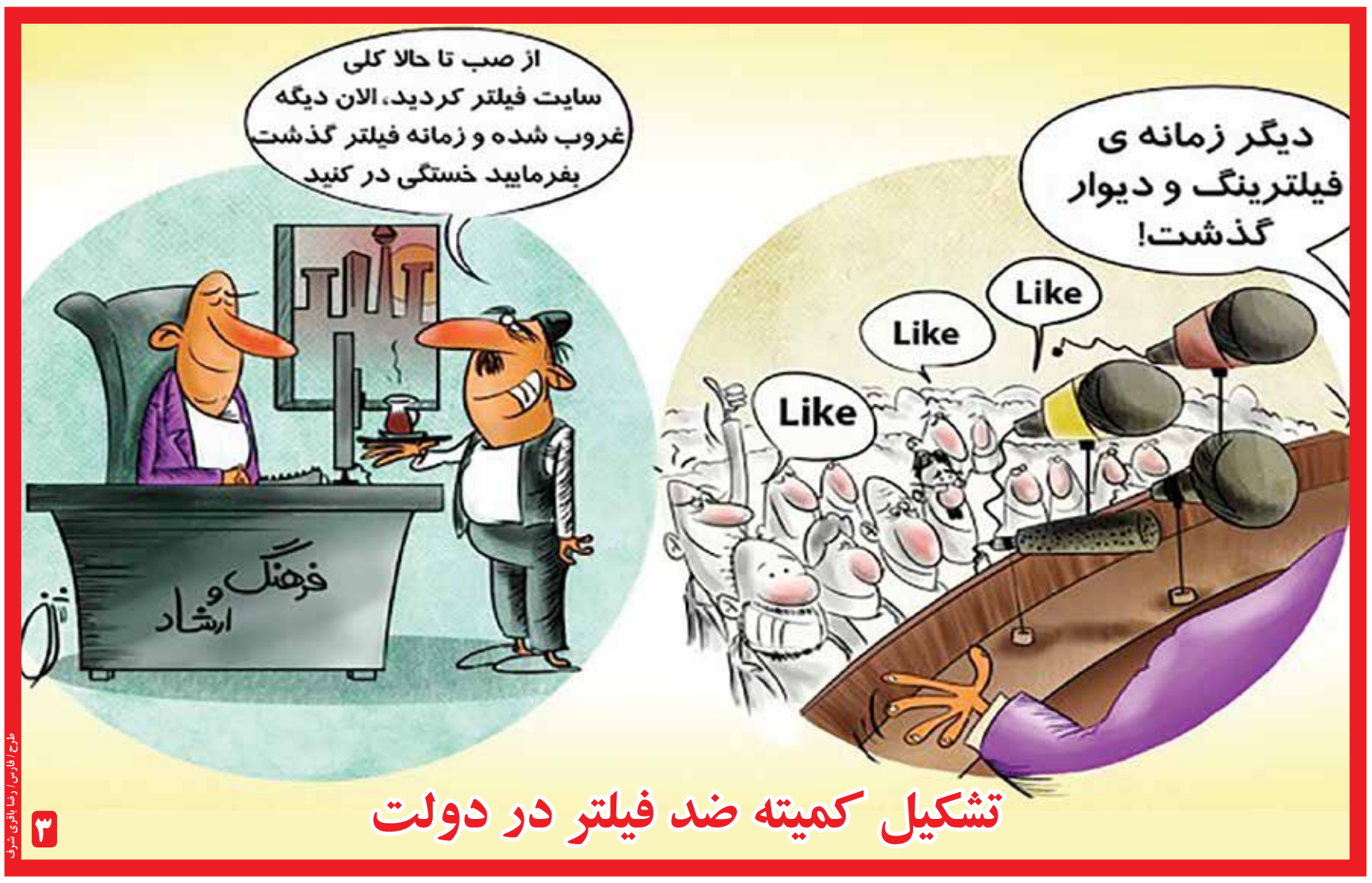

تشکیل کمیته ضد فیلتر در دولت

طرح / فارس / رضا باقری شرف

۳

طبق آمار سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی؛

تعداد سیم کارت‌ها از جمعیت ایران فراتر رفت!

اگرچه برخورداری از سیم‌کارت در ابتدای ظهورش، لوکس و گران به نظر می‌رسید، اما اکنون تعداد سیم‌کارت‌ها از جمعیت موجود در ایران هم پیشی گرفته است.

آمار منتشرشده توسط سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۲ تا شهریورماه سال جاری، تعداد مشترکان سیم‌کارت‌های اپراتورهای مختلف از ۶۴ میلیون به بیش از ۹۱ میلیون رسیده است. البته این آمار نشان‌دهنده‌ی سیم‌کارت‌های فعال است، در حالی که از میان سیم‌کارت‌های فروخته‌شده توسط اپراتورها، شاید نزدیک به نیمی از آن‌ها غیرفعال باشد، یعنی ممکن است کاربری سیم‌کارتی را خریداری کرده و برای مدتی از آن استفاده نکند.

از طرفی، ضریب نفوذ سیم‌کارت از ۸۳ درصد در سال ۱۳۹۲ به بیش از ۱۱۱ درصد در شهریورماه رسیده است. اما بیش‌تر بودن ضریب نفوذ سیم‌کارت از ۱۰۰ درصد، نشان می‌دهد که تعداد سیم‌کارت‌های موجود از جمعیت ایران، بیش‌تر است که این موضوع اگرچه می‌تواند حاکی از چندسیم‌کارته بودن افراد باشد، اما نشان می‌دهد به احتمال زیاد کمتر کسی در ایران حضور دارد که حتی یک سیم‌کارت هم نداشته باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که تقریباً از میان سیم‌کارت‌های فروخته‌شده توسط اپراتورها، حدود نیمی از آن‌ها غیرفعال است. به‌طوری‌که از مجموع ۱۵۶ میلیون و ۱۱ هزار و ۲۸۳ شماره فروخته‌شده، ۸۳ میلیون و ۲۲۴ هزار و ۱۳۴ خط فعال است و ضریب نفوذ موبایل در کشور ۱۰۴.۱۳ درصد اعلام شده است. تعداد مشترکین اپراتورهای تلفن همراه در سال ۱۳۹۲، ۶۴ میلیون و ۱۲ هزار و ۷۶۳ و ضریب نفوذ ۸۳.۲۰ درصد بوده است. این عدد در سال ۹۳، ۷۱ میلیون و ۱۶۶ هزار و ۴۹۰ برای تعداد مشترکین و ۹۱.۴۱ درصد برای ضریب نفوذ است. هم‌چنین در سال ۱۳۹۴، تعداد مشترکین به ۷۶ میلیون و ۱۰۲ هزار و ۴۴۱ و ضریب نفوذ به ۹۶.۶۱ درصد رسیده است. این در حالی است که از سال ۱۳۹۵، تعداد مشترکین از جمعیت بیشتر شده، به‌طوری‌که تعداد مشترکین ۸۳ میلیون و ۵۰ هزار و ۵۹۰ و ضریب نفوذ ۱۰۴.۲۲ درصد بوده است. هم‌چنین در سال ۱۳۹۶، این اعداد به ۸۸ میلیون و ۵۳۶ هزار و ۴۹۶ مشترک و ۱۱۰.۷۷ درصد ضریب نفوذ افزایش یافته است. طبق آخرین آمار تا شهریورماه سال جاری هم تعداد مشترکین، ۹۱ میلیون و ۸۲۴ هزار و ۵۳۵ و ضریب نفوذ ۱۱۱.۸۷ درصد بوده است.

در سال ۹۸ صورت می‌گیرد؛

راه‌اندازی یک پروژه بعد از ۱۵ سال

مدیر عامل شرکت پالایش گاز بیدبلند از راه‌اندازی این شرکت بعد از ۱۵ سال، در سال ۱۳۹۸ خبر داد.

محمود امین‌نژاد با بیان این‌که پروژه پالایشگاه بیدبلند ۱۵ سال است که در وزارت نفت تعریف شده است، گفت: این پروژه کارفرماهای مختلفی داشت اما اجرای آن به‌دلیل محدودیت‌های متعدد از جمله منابع مالی، فقط ۱۸درصد پیشرفت داشت. وی ادامه داد: آقای زنگنه، سال۱۳۹۴، تصمیم گرفت مدیریت این پروژه را یکپارچه کند. در راستای این یکپارچگی هم درحال اخذ تصمیماتی هستیم که با واحدهای NGL ۱۲۰۰، ۱۳۰۰، ۹۰۰و ۱۰۰۰ یک واحد شده و پیمانکار این واحدها شویم. مدیرعامل شرکت پالایش گاز بیدبلند با بیان این‌که پروژه سال ۱۳۹۴ واگذار شد، توضیح داد: نقل و انتقال مالکیت این پروژه یک سال زمان برد و از اوایل تیرماه سال ۱۳۹۵، کارهای خرید و مهندسی آغاز شد، اما نحوه‌ی تأمین منابع مالی مشخص نبود. تسهیلات صندوق توسعه ملی متوقف شده بود و شرکت‌هایی که پیش‌پرداخت داده بودند، مانند شرکت زیمنس مشارکت خود را قطع کرد.امین‌نژاد ادامه داد: سوم آذرماه سال ۱۳۹۵، ۲.۲ میلیارد دلار با مشارکت پنج بانک از صندوق توسعه ملی ابلاغ شد اما قبل از آن‌که این ابلاغی صورت بگیرد، طی ۲۲ روز کاری یک میلیارد دلار آن گشایش اعتبار یافت و در عرض ۱۵ روز پس از گشایش اعتبار، توانستیم ۲۵ میلیون یورو پول از ال سی برداشت کنیم. به گفته وی، سال گذشته ۱.۵ میلیارد دلار در هلدینگ خلیج فارس سرمایه‌گذاری شده بود که ۱.۲ آن متعلق به بیدبلند بود. مدیرعامل شرکت پالایش گاز بیدبلند درباره سهم سازندگان و پیمانکاران ایرانی در این پروژه توضیح داد: باید ۵۸.۳ درصد از ال سی صرف پیمانکاران و سازندگان ایرانی شود. در حال حاضر سهم پیمانکار و سازندگان ایرانی حدود ۶۵ درصد است.وی در ادامه درباره جمع‌آوری گازهای فلر اظهار کرد: ما گاز اسیدی را با بخشی از گاز شیرین مخلوط می‌کنیم و به ایستگاه آغاجاری برای تزریق به چاه نفت تحویل می‌دهیم و از سوزاندن این گازها در فلز جلوگیری می‌کنیم. روزانه ۹ میلیون مترمکعب حجم این گازهاست.امین‌نژاد در ادامه هم‌چنین درباره تأمین آب پالایشگاه بیدبلند گفت: تأمین آب این پالایشگاه از رودخانه مارون و تسویه‌خانه بهبهان صورت می‌گیرد. در حال حاضر، پسابی از پالایشگاه بیرون نمی‌رود. هم‌چنین مناقصه‌ای برگزار خواهیم کرد که آب‌های دورریز را به مجموعه خودمان بازگردانیم. این پالایشگاه ۱۷ هزار مترمکعب آب در شبانه‌روز مصرف می‌کند. وی با بیان این‌که این پالایشگاه به اندازه دو فاز پارس جنوبی و پتروشیمی پارس گاز تولید می‌کند، گفت: از نظر تولید کاندنسیت نیز به اندازه چهار فاز پارس جنوبی است. به گفته مدیرعامل شرکت پالایش گاز بیدبلند این پروژه سال ۱۳۹۸ افتتاح خواهد شد. او هم‌چنین از تأسیس یک خط لوله اتان خبر داد و گفت: یک طرف این خط لوله به بندر امام و طرف دیگر به سمت گچساران است. براساس این گزارش، طرح شرکت پالایش گاز بیدبلند برای تولید سالیانه ۱۰.۴ میلیون تن متان، ۱.۵ میلیون اکتان، یک میلیون تن پروپان، ۰.۵ میلیون تن بوتان، ۰.۶ میلیون تن کاندنسیت و ۰.۹ میلیون تن گاز اسیدی به خوراکی معادل ۱۳.۵ میلیون تن در سال، گاز ترش از ان جی ال‌های ۹۰۰ هزار و هم‌چنین ۲.۲۵ میلیون تن در سال گاز شیرین از ان جی ال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ نیاز دارد.

خبر

پیام تسلیت رئیس قوه قضاییه به مناسبت درگذشت دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی

آیت الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه با صدور پیامی درگذشت آقای محمدنبی حبیبی دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی را تسلیت گفت.

آیت الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه با صدور پیامی درگذشت آقای محمدنبی حبیبی دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی را تسلیت گفت.

متن کامل پیام تسلیت آیت الله آملی لاریجانی به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحیم

«انا لله و انا الیه راجعون»

خبر درگذشت یار دیرین انقلاب آقای محمدنبی حبیبی دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی که عمر خود را در راه دفاع از اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی سپری کرد، موجب تأسف اینجانب گردید. ضمن عرض تسلیت به بیت محترم ایشان و اعضای حزب مؤتلفه اسلامی، برای آن مرحوم از درگاه خداوند متعال رحمت و غفران الهی و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می نمایم.

صادق آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه

سرمقاله

مردمی که برایشان مهم نیست

هومن جعفری

بعد از نزدیک به چند هفته غیبت ، به سرمقاله نویسی امتیاز برگشتم.دلیل این غیبت نه چندان بلند مدت یکی امتحانات دانشگاهی بود که به شدت زمان و توجه و انرژی را می گرفت و دومی همزمانی اش با مسابقات جام ملت های آسیا.اما دلیل اصلی بی اعتقادی خودم بود به نوشتن. حقیقت اینکه به صورت کامل اعتقاد و اعتماد خود به رسانه و اثرگذاری اش را از دست داده ام.حس می کنم نوشتن سطرهایی از اشتباهات مردم کاملا بی فایده است چرا که گوش شنوایی در کار نیست.

احساس می شود که مردم خود نیز به سرنوشت خود کاملا بی توجهند و رفتارهای منفعت طلبانه شان نشان می دهد که هرجا بتوانند و فرصتی به دست بیاورند از هرگونه سواستفاده دریغ نخواهند کرد.حقیقت تلخی است اما حقیقت است که این مردم قصد ندارند بهتر زندگی کند.نمی خواهند راحت و آسوده باشند و از آینده خوب گریزانند.

اگر کسی با حرف های من مخالف است به این سوال پاسخ بدهد که برای بهتر شدن چه کرده؟اگر کسی هست که فکر می کند مردم ایران باید زندگی بهتری داشته باشند به این سوال ها پاسخ بدهد که مردم ایران برای داشتن زندگی بهتر چه می کنند؟

حمایت از دولت نیست.حرفم این است که ما عین بازیکن هایی هستیم که بازی را رها کرده ایم و به سمت داور می دومی تاب رایمان خطا بگیرد. دستکم بسیاری از ما اینگونه ایم. فضای جامعه ما به گونه ای است که پیشرفت کردن را غیرممکن می کند.

جامعه ایرانی را می شود با جوامع دیگر مقایسه کرد.این مقایسه اما نباید در سطح رفاه یا سرانه اقتصاد یا بحث های دیگر صورت بگیرد.به این مقایسه بیندیشیم که مردم ما در قایس با مردم شکورهای دیگر چقدر کتاب و محصولات فرهنگی مصرف می کنند، چقدر شهروند قرن بیست و یکم هستند و چقر برای بهبود جامعه کار داوطلبانه انجام می دهند.چقدر در حفظ محیط زیست و بهداشت جامعه پیگیر و مصر هستند و چقدر برایشان مهم است که جامعه بهتری بسازند. در اهداف زندگی اشن سعادت اجتماعی و بهره مندی عمومی چقدر مهمتر از سعادت خانوادگی و بهره مندی فردی است.

پاسخ به چنین سوالاتی است که وضعیت جامعه را برای اهایل ان جامعه روشن می کند.از فخرفروشی دروغین به اجداد خود دست برداریم و با واقعیت خود ملاقات کنیم.

یادداشت

دیانتِ شکست!

چرا سیاست ما عینِ «فوتبال» ماست؟

آرزوِ رضایی مجاز

پل والری، شاعر و نویسنده‌ی فرانسوی، نثر را با قدم‌زدن و شعر را با رقصیدن قیاس می‌کند و می‌گوید، راه‌رفتن به‌سوی مقصدی است؛ حال‌آنکه رقص مقصدی ندارد و رقص‌کنان به جایی‌رفتن بی‌معناست، پس: «هدف رقص، خود رقص است»؛ ایده‌ای که گزارشگران فوتبال از صداوسیما -که لبِ تک‌گوی گفتمان رسمی‌ست- با توسل به آن، زمین چمن فوتبال را مرتع سیاسی کرده‌اند؛ آنها در فاصله‌ای بعید از نفس رقابت و مسابقه که نتیجه‌گراست، روی سیاستی را نشان می‌دهند که همچنان به «جنگیدن» ارزش‌مدارانه نگاه می‌کند و نبرد را به مثابه‌ی خود هدف تلقی کرده که ماحصل و هزینه‌هایش چیست؟، در مراتب بعدی قرار می‌گیرد!

گزارش‌های تلویزیون از تمامی بازی‌های سرنوشت‌ساز ایران، درواقع گزارَش تاریخ ملتی‌ست که همواره به میادین جنگ فراخوانده شده‌اند، بی‌اینکه چندان فرقی داشته باشد که میان جنون خاورمیانه گرفتار آیند یا در کوره‌ی یک اجماع جهانی! زیر رگبار باروت جان دهند یا بوران تحریم و تحقیر؛ مهم تنها رقص آنها در میانه‌ی میدان است؛ رقصی از شتک‌های خون و دودی از خاکستر!

اینان مدام با تأکید بر اینکه: «این باخت چیزی از ارزش‌های بچه‌ها کم نمی‌کند» تصویر ایرانِ قهرمان اما شکست‌خورده را بر قاب تلویزیون می‌کشند تا بار دیگر از برساخت فرهنگی‌ای گفته باشند که انسان ایرانی را عرق‌ریز و نفس‌نفس‌زن می‌خواهد تا رقص‌کنان در میدان، شعری از جنگجویی را تا آخرین دم حیات‌اش برقصد؛ بی‌اینکه هدف این جنگ و چشم‌انداز غنیمت و هزیمت‌اش در طولای نفس‌گیر میدان، چندان روشن باشد!

«مارشال برمن» در کتاب «تجربه‌ی مدرنیته» به فارسیِ «مراد فرهادپور» از فرآیند مدرنیزاسیون در جهان سوم و غرب می‌گوید و دو شکل از گذار را در برابر هم قرار می‌دهد که اگر در جهان سوم (روسیه را مثال می‌آورد) با تنه‌زدن به خود شکل گرفت؛ در غرب، جریانی طبیعی بوده که هم‌شانه‌گی با چشم‌اندازهای گوناگون، قابل حصول‌اش کرده است.

برمن، شکل‌های مقاومت در زندگی روزمره را میان فرصت کتاب‌اش به بحث می‌گذارد و مدرن‌بودن را اینطور فهم می‌کند: «زیستن یک زندگی سرشار از معما و تناقض، اسیر شدن در چنگ سازمان‌های عظیمی که قادر به کنترل و غالباً قادر به تخریب همه‌ی اجتماعات، ارزش‌ها و جان‌ها هستند و با این‌همه، دست‌بسته نبودن در پیگیری عزم راسخ خویش برای مقابله با این نیروها، جنگیدن به قصد تغییر جهان و تغییر این نیروها و تصاحب آن برای خودمان!»

وی درواقع شکلی از بودن را تصویر می‌کند که بی‌شک زیر زبان زندگی ایرانی مزه نشده است؛ زیستی که در استیلای برساخت‌های فرهنگی، تشویق به تن‌دادن به جنون جنگ شده، مظلومیت ملی در آن ارزش است و درنهایت، مردن در میانه‌ی میدان با یک‌دست که جامی خالی از شور زندگی دارد و دستی دیگر که رو به یار منتظر در خلأ می‌ماند. دست‌های بی‌جانی که به‌عنوان قهرمان بالا می‌روند و نجات‌دهنده‌ای که در خاک سرد پذیرنده آرام می‌گیرد، تصویر نهایی جنگجویی‌ست که گفتمان رسمی تحسین‌اش کرده و ادامه‌ی راه‌اش را از «میدان‌های جنگ و شکست» تا «زمین چمن و شکست» تشویق نموده است!

گزارشگریِ فوتبال روی آنتن، تنها یک گزارش‌گویی ورزشی نیست. تسلای آنها به بازیکنان گرَیان آخر بازی که «بلند شو مرد! شما برنده‌ی واقعی هستید!» روایت تاریخ ایرانی‌هاست با تمدنی که دَلوش از ته زخم‌ها بالا آمده است اما درمقابل؛ فضای مجازی با حجمی از استوری و پست‌های پرسش و مطالبه، برون‌ریزی ملتی شده که دیگر می‌خواهد «پیروز» باشد و «جنگ‌جنگ تا پیروزی» را سرود جان‌اش کرده؛ ملتی که نمی‌خواهد نه یک شکست‌خورده‌ی نجنگیده باشد و نه جنگجویی که کنار تشک‌ها و زمین‌ها صدای «بباز-بباز» را به‌عنوان ندای وجدانی‌اش می‌فهمد؛ مردمی که دوست دارند دیگر «بچه‌های آسمان» باشند و در آخرین سکانس هر رقابتی، پای تاول‌زده‌شان را در حوض پیروزی فرو کرده و به ماهی‌های کوچولویی نگاه کنند که چشم‌های تک‌تک مردم دنیاست!